



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش

# اهداف و روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی

به وسیله‌ی

عباس شعبانی باب اناری

استاد راهنما

دکتر مرتضی خسرونژاد

خرداد ۱۳۸۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

## اظہارنامہ

اینجانب عباس شعبانی باب اناری دانشجوی رشته‌ی علوم تربیتی، گرایش فلسفہ‌ی تعلیم و تربیت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، اظہار می‌کنم کہ این پایان‌نامہ حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات آن را نوشته‌ام. همچنین اظہار می‌کنم کہ بدون مجوز دانشگاه، دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه‌ی حقوق این اثر مطابق با آیین-نامہ، چه مالکیت فکری و چه معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: عباس شعبانی باب اناری

تاریخ و امضاء: ۱۳۸۹/۴/۸



به نام خدا

اهداف و روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی

به کوشش

عباس شعبانی باب اناری

پایان نامه‌ی ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه‌ی: عالی

.....  
دکتر مرتضی خسروثزاد، استادیار بخش مبانی تعلیم و تربیت (استاد راهنما)

.....  
دکتر بابک شمشیری، استادیار بخش مبانی تعلیم و تربیت (مشاور)

.....  
دکتر سعید حسام‌پور، استادیار بخش ادبیات فارسی (مشاور)

خرداد ۱۳۸۹

تقدیم به

پیشگاه پروردگارم که همه ی زیبایی ها از اوست.

## سپاسگزاری

با سپاس فراوان از پروردگارم که به زیبایی، زیباییها را آموخت و با درخواست خوبیها ومهربانیها از این معشوق یگانه برای تمام کسانی که مرا یاری دادهاند.

## چکیده

### اهداف و روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی

به کوشش:

عباس شعبانی باب اناری

هدف کلی این پژوهش، تعیین ویژگی‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی بر مبنای عرفان اسلامی پرداخته بوده است. با توجه به این هدف کلی، ابتدا به تعیین نسبت بین زیبایی‌شناسی و دین بر مبنای عرفان اسلامی پرداخته شده است. در ادامه، به تعیین اهداف و روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی، به ترتیب به عنوان اهداف جزئی، اقدام شده است. تحقیق حاضر از نوع کیفی و در ردیف طرح‌های پیدایشی قرار گرفته است. داده‌های مورد نیاز با روش اسنادی جمع‌آوری گردیده است. اسناد مورد پژوهش در رابطه با زیبایی‌شناسی و زیبایی‌شناسی دینی، متون عرفانی-اسلامی بوده است و ضمن مراجعه به آیات قرآنی، تفسیرالمیزان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. رویکرد مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصله، رویکرد تفسیری-تجزیه‌ای و اعتمادسنجی این پژوهش، ساخت یک مسیر بررسی و تأیید هیات داوران بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی، بر مبنای عشق و جذبه‌ی عشق الهی مبتنی بر سه اصل معرفت میثاقی، صعودگرایی و اصل حیرت می‌باشد که با کسب مقامات زیبای ابعاد زیبایی‌شناسانه‌ی دینی (ایمان، اخلاق و...) به عنوان مقامات زیبایی‌شناسانه‌ی عشق الهی در مسیر جذبه‌ی عشق الهی قرار گرفته و به معرفتی شهودی از عشق و زیبایی‌های باری‌تعالی می‌رسد. این نوع تربیت بر خودعاملی فرد تأکید دارد، تربیتی که روش‌های آن به عنوان معاشقه با حق، جهت نیل به مقامات زیبا به عنوان اهداف تربیتی مطرح می‌باشد. ضمن آنکه، اهداف گاه به عنوان روش تربیتی و روش گاه به عنوان اهداف در یک سلسله مراتب مکمل یکدیگر مطرح می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** تربیت دینی، زیبایی‌شناسی، تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
<b>فصل اول: کلیات</b>	
۱- کلیات .....	۱
۱-۱- مقدمه .....	۱
۲-۱- بیان مسئله .....	۴
۳-۱- اهداف .....	۶
۴-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق .....	۷
<b>فصل دوم: بررسی دیدگاه اندیشمندان و پیشینه‌ی تحقیقی</b>	
۲- بررسی دیدگاه و آرای اندیشمندان و متفکران .....	۱۱
۱-۲- مقدمه .....	۱۱
۱-۱-۲- منشاء زیبایی .....	۱۱
۲-۱-۲- انسان، آینه‌دار زیبایی خداوند .....	۱۲
۳-۱-۲- طبیعت و زیبایی .....	۱۴
۴-۱-۲- اخلاق و زیبایی .....	۱۵
۵-۱-۲- ابزاری بودن زیبایی ظاهری .....	۱۶
۶-۱-۲- جنبه‌ی معرفتی زیبایی .....	۱۷
۷-۱-۲- عشق به عنوان عنصر زیبایی .....	۱۹
۸-۱-۲- تربیت دینی و زیبایی .....	۱۹
۱-۸-۱-۲- ارتباط دین و زیبایی .....	۱۹
۲-۸-۱-۲- هنر دینی- مذهبی .....	۲۰
۳-۸-۱-۲- تربیت دینی و زیبایی .....	۲۱
۲-۲- پیشینه‌ی تحقیقات .....	۲۴
۱-۲-۲- یافته‌های مربوط به زیبایی‌شناسی و نقش آن در تعلیم و تربیت .....	۲۴

۲۵.....	۲-۲-۲- یافته‌های مربوط به تربیت دینی
۲۷.....	۳-۲-۲- یافته‌های مربوط به زیبایی‌شناسی و تربیت دینی
۲۸.....	۳-۲- سوالات تحقیق
۲۸.....	۴-۲- تعریف واژگان
۲۸.....	۲-۴-۱- تربیت
۲۸.....	۲-۴-۲- تربیت دینی
۲۹.....	۳-۴-۲- تربیت اسلامی
۲۹.....	۴-۴-۲- زیبایی‌شناسی

### فصل سوم: روش انجام تحقیق

۳۲.....	۳- طرح پژوهش
۳۲.....	۳-۱- روش تحقیق
۳۲.....	۳-۲- روش اطلاع‌یابی
۳۳.....	۳-۳- رویکرد مورد استفاده در اطلاع‌کاوی
۳۳.....	۳-۴- روش سنجش اعتمادپذیری

### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳۴.....	۴- تجزیه و تحلیل یافته‌ها
۳۴.....	مقدمه
۳۵.....	۴-۱- بررسی سوال اول
۳۵.....	۴-۱-۱- عشق الهی، محوریت زیبایی‌شناسی دینی
۳۵.....	۴-۱-۱-۱- عشق و زیبایی، سرچشمه‌ی هستی
۳۸.....	۴-۱-۱-۲- رابطه‌ی عشق و زیبایی
۴۵.....	۴-۱-۲- نسبت زیبایی‌شناسی و دین با تاکید بر محوریت عشق
۴۶.....	۴-۱-۲-۱- معرفت میثاقی
۴۹.....	۴-۱-۲-۲- صعودگرایی
۵۳.....	۴-۱-۲-۳- حیرت
۵۹.....	۴-۱-۳- ابعاد زیبایی‌شناسانه‌ی دین
۶۰.....	۴-۱-۳-۱- زیبایی عبادات
۶۵.....	۴-۱-۳-۱-۱- اقسام عبادات

۴-۱-۳-۱-۱-۱- نماز عاشقانه .....	۶۶
۴-۱-۳-۱-۱-۲- ذکر حق .....	۶۸
۴-۱-۳-۱-۱-۳- دعا .....	۷۰
۴-۱-۳-۱-۱-۴- خدمت به خلق .....	۷۲
۴-۱-۳-۲- زیبایی ایمان .....	۷۳
۴-۱-۳-۳- زیبایی اخلاق .....	۸۷
۴-۱-۳-۴- تجربه‌ی زیبایی‌شناسانه‌ی دینی .....	۱۰۷
۴-۲- بررسی سوال دوم .....	۱۲۲
۴-۲-۱- مقامات تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی .....	۱۲۲
۴-۲-۱-۱- منازل اولیه‌ی زیبایشناسانه‌ی عشق الهی .....	۱۲۲
۴-۲-۱-۲- منازل دوم زیبایشناسانه؛ قرار گرفتن در جذبیهها و مواهب شورانگیز	
عشق الهی .....	۱۳۴
۴-۲-۱-۳- منازل سوم زیبایشناسانه؛ دریافت و درک متعالی جذابیت زیبایی	
عشق الهی .....	۱۳۶
۴-۳- بررسی سوال سوم .....	۱۳۶
۴-۳-۱- روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی ( معاشقه با معشوق) .....	۱۳۶
۴-۴- خلاصه‌ی فصل چهارم .....	۱۴۵

## فصل پنجم

۵-۱- با هم‌نگری و نتیجه‌گیری .....	۱۴۹
۵-۲- پیشنهادات تحقیق .....	۱۵۹
۵-۳- محدودیت تحقیق .....	۱۶۰
فهرست منابع .....	۱۶۱

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱- کلیات

##### ۱-۱- مقدمه

در طول تاریخ بشری هیچ‌گاه دین از انسان جدا نبوده و اگر دم از جدایی آن نیز زده شده است، منکرین، دین ساخته و پرداخته شده‌ای را جایگزین آن کرده‌اند که نشان از اهمیت آن در زندگی بشر دارد. در عصر کنونی نیز دین با هر برداشت و تفسیری هنوز جایگاه پر اهمیت خود را حفظ کرده است. «دین در عصر مدرن اگرچه شکوه و جلال گذشته‌ی خود را از دست داده بود و آن شکوهی را که در قرون وسطی به عنوان ملکه‌ی علوم داشت، تاج از سرانداخته بود، اکنون به نظر می‌رسد که دوباره به محور بحث همگانی در جهان پست‌مدرن امروزی باز گشته است» (فرم‌هینی ۶۳ : ۱۳۸۳). با توجه به اینکه در ایران دین همیشه در جایگاه رفیعی قرار داشته است و نقش بسیار مهمی در زندگی این سرزمین ایفا نموده و با توجه به عصر کنونی، که دین مورد توجه قرار گرفته است، می‌بایست تربیت دینی را از منظر و رویکردهای تازه‌ای دید، چراکه زمان و شرایط مکانی، دگرگونی می‌پذیرد و اقدامات تازه‌ای را ایجاب می‌کند، چنانچه امام علی در این مورد می‌فرماید: «فرزندان خود را برآن اساس که خود تربیت شده‌اید تربیت نکنید، اینان برای عصر و زمانی غیر از عصر و زمان شما آفریده شده‌اند» (قائم‌ی ۱۷۷: ۱۳۸۷).

متأسفانه این مهم کمتر مورد توجه قرار گرفته است و همیشه چند رویکرد غالب در زمینه‌ی تربیت دینی مدنظر بوده و موجب غفلت از روشهای نوین و ابتکاری در این زمینه گردیده است. رویکرد عادت و رویکرد عقلانی دو نمونه آشکار و غالب می‌باشند. برخی رویکرد عادت را در سنین پایین کودکی، به این علت که کودک قادر به درک و استدلال عقلانی نیست، مهم می‌دانند و یکی از طرفداران این رویکرد جی‌جر است، که امکان استفاده از آن را پیشنهاد می‌کند (شعبانی ۲۶۸: ۱۳۸۱). گروهی رویکرد عقلانی را به دلیل آنکه معارف نظری و عملی دین منطبق با احکام عقلی است و عقل حجت باطنی محسوب می‌شود و در نهایت با استناد به

آیات قرآنی، آن را پذیرفته‌اند (اعتصامی ۱۶-۱۷: ۱۳۸۲).

با توجه به آسیب‌شناسی‌های به عمل آمده در این رویکردها، رویکرد شهودی که دیدگاه عرفانی را شامل می‌شود، مطرح گردیده است. در این رویکرد سالک بر آن است که به شناسایی حقیقی و بینش ذات هستی نایل آید، و این گونه شناسایی نه از راه استدلال و سنجش منطقی، بلکه از راه دریافت درونی و گونه‌ای روشن‌شدگی که نتیجه‌ی عنایت باری تعالی است، به دست می‌آید (نقیب‌زاده ۸۶: ۱۳۸۳). به نظر نگارنده ضعف این رویکرد و استفاده‌ی آن در تعلیم و تربیت رسمی، شخصی بودن آن است که موجب گمراهی‌های فراوانی شده است و اینجاست که خضرصفتی، مبارک می‌باید:

مگر خضر مبارک پی درآید زمین همتش کاری گشاید  
مگر خضر مبارک پی تواند که این تنها به آن تنها رساند  
(حافظ ۳۵۸-۳۵۹: ۱۳۷۳).

این رویکرد چون به درون و روشن‌بینی نظر دارد و خودجوشی سالک را خواهان است می‌تواند نقطه‌ی شروعی برای تربیت دینی باشد و دلیل آن هم این است که حالت عرفانی، زمینه‌ای همگانی دارد، از دریافت عمیق بسیاری از آثار هنری زیبا گرفته تا پرستش و نیایش حقیقی، همه بر بنیاد چنین حالتی است، حالتی آن‌چنان درونی و بنیادی که در سنجش با آن، همه‌ی آداب و مراسم دینی جز پیرایه‌ای به شمار نمی‌آید (نقیب‌زاده ۸۶: ۱۳۸۳). اما این حالت درونی نیاز به محرکاتی دارد، که آنها نیز ماهیت همان حالت درونی را داشته باشند تا خودجوشی متربی را سبب گردد و تربیت درونی را شکل دهد. خوشبختانه اخیراً رویکردی به نام رویکرد نمادین در تربیت دینی ارائه گردیده، که درون مایه‌ای کهنه را شامل می‌شود. تربیت دینی بیانی تمثیلی یا سمبلیک از مفاهیم و شیوه‌هایی از تربیت فعال و خلاق است، که سعی در بازگشت دادن جریان تربیت به جایگاه طبیعی، فطری درونی آن دارد؛ جریانی که به مدد نمادها، نشانه‌ها و رفتارهای غیرکلامی، درمیدان عشق و شور و هنر زاییده می‌شود و کشفی، الهامی، خودجوش و پنهانی است (کریمی ۱۱: ۱۳۷۴).

اگر به این تعریف دقت شود، متوجه خواهیم شد که محرک بیرونی (نماد)، ماهیتی دارد که ریشه درحالت درونی (غیرکلامی) متربی دوانده و ثمره‌ی آن در میدان عشق و شور و هنر زاییده شده است. نماد را نباید فقط به عنوان محرکی خارجی بدانیم، چراکه باید همراه معنایی درونی باشد تا متربی را به فعالیت سوق دهد تا به کشف نائل آید و این کشف محصول خودجوشی متربی است که از درون پنهان او سرچشمه گرفته است. به نظر می‌رسد، جوهره‌ی این رویکرد، عنصر زیبایی است، وگرنه نماد نمی‌تواند جذاب باشد و حالت درونی متربی را فعال ساخته و او را تا فعالیت و خلاقیت سوق دهد، ضمن آنکه، بیان داشتیم که نماد، در میدانی از عشق، شور و هنر زاییده می‌شود، که هیچ یک جدا از زیبایی نیستند. «به طور کلی این رویکرد،

دارای روشی است مبتنی بر کشف و شهود و اشراق، فهم، عشق، وجد و جذبه‌های درونی از جمال دین و دین جمیل، همچنین تربیت درونی و زیباشناسانه را جایگزین تربیت بیرونی و سطحی می‌کند» (پیشین صص ۲۴-۲۳).

این رویکرد با توجه به جوهره‌ی آن یعنی زیبایی یا زیباشناسی به رویکرد «تجربه‌ی زیباشناسی» که مباحثی از مباحث زیباشناسی است، نزدیک می‌شود و شباهتی نیز بین آنها وجود دارد. این تجربه درگیرکننده و متجسم است و جنبه‌ی اجتماعی دارد و یادگیری، موقعیت، آداب و رسوم، ارزش‌ها و زمینه بر آن اثر می‌گذارد. این تجربه چهار بعد شی، مدارک، خلاقیت در شکل‌دهی به تجربه و فعال‌سازی را شامل می‌شود. شباهت این تجربه با تجربه دینی این است، که هر دو از طریق فراچنگ آوردن معانی و بالا بردن ادراک، تجربه را ارتقا می‌دهند، در ضمن مفهوم تقدس، امر زیباشناسی و امر دینی را یک جا جمع می‌آورد (برلثان ۱۰۱: ۱۳۷۸).

با توجه به رویکرد نمادین و ویژگی‌های برجسته‌ی آن، این رویکرد قابل نقد است. در این رویکرد هدف، محتوی، روش تدریس، شیوه ارزشیابی و حتی الگوی ارتباطی که فرآیند تعریف شده در تربیت نمادین را نمایان سازد، به طور رسمی وجود ندارد. همچنین تحقیقات گسترده و با پشتوانه‌ی قوی در مورد جوهره‌ی آن؛ یعنی زیباشناسی، جایگاه، نقش و تاثیر آن در تربیت دینی، ارائه نگردیده است، جوهری که خود دین، موضوع آن است؛ درک زیبایی در آموزه‌ها و به طور کلی فرهنگ دینی. توجه به این جوهره در تربیت دینی موجب می‌گردد تا متربی به عبادت، آموزه‌های دینی، آیات قرآنی از دریچه‌ی زیباشناسانه بنگرد و زیبایی آنها را دیده و درک کند و وسیله‌ای گردد تا انسان را به زیبایی حقیقی هدایت کند (شمشیری ۲۹: ۱۳۸۵). اما چرا یک حیطه‌ی این چنین انتزاعی و پیچیده، دین را به عنوان یک موضوع می‌پذیرند؟ استاد مطهری جواب این سوال را به طور ساده بیان می‌دارد: «زیبایی، بیان است. اسلام، اعجازش زیبایی کلام قرآنی است» (مطهری ۵۴: ۱۳۸۶). این اعجاز اسلام؛ یعنی قرآن و زیبایی آن از مطلق زیبا است و چنانچه صدرالمقاله‌ین می‌فرماید: هر زیبایی و کمالی رشحه و پرتویی از زیبایی و کمال خداوند است، باری تعالی سرچشمه‌ی هر نیکی و کمال، منشاء هر زیبایی و حس است (ملاصدرا بی تا به نقل از هاشمی‌نژاد ۳۲۱: ۱۳۸۵). این زلال زیبا، سرچشمه گرفته از مطلق زیبایی، جاری در دست انسانی زیبا، چنان ماجرابی را خلق می‌کند، که ولید از دانشمندان عرب بعد از شنیدن آیات قرآنی چنان مجذوب شد که با حالت بهت‌زده از جای برخاست و در برابر قبيله‌ای گفت: من از محمد سخنی شنیدم که از نسخ کلام انس و جن نیست، شیرینی خاصی دارد و زیبایی مخصوصی، شاخسار آن پرمیوه و ریشه‌های آن پر برکت، کلامی برتر دارد و هیچ سخنی برجسته‌تر از آن نیست (الماسی ۱۹۹: ۱۳۷۷).

به نظر می‌رسد که زیباشناسی می‌تواند نقطه‌ی شروع و هم پایان تربیت دینی باشد، چراکه دین زیباست و با ماهیت محرکات درونی متربی (زیباجویی و خداطلبی) هم‌سنخ است و

می‌تواند تربیت درونی را سبب شود و تعریف رویکرد نمادین و فرآیند آن را در تربیت دینی عملی سازد و برای رویکرد شهودی که روشن‌بینی را به همراه دارد، مقدمه‌ای باشد، بدون آنکه رویکرد عادت و تعقلی را طرد سازد. این مهمی است که متخصصان تربیت دینی در هر مقامی باید به آن توجه داشته باشند.

## ۱-۲- بیان مسئله

دانش واقعی باید انسان را فعال‌تر و کارآمدتر سازد تا وی بتواند به وسیله‌ی آن شور و عشق به درک حقیقت را در خویشتن برانگیزاند (مایر ۲۵: ۱۳۷۴). اما این خود انسان است که باید دانش را وسیله‌ی حرکت بداند و خودجوشانه حرکت نماید، تا به اعتقاد نووالیس، رازی که در خود انسان می‌باشد و وی از آن بی‌خبر است را دریابد؛ «انسانی که رویای سفر به کهکشان‌ها را در سردارد، آیا به راستی کهکشان‌ها در دل وی جای نگرفته است؟» (نووالیس ۱۹۷۸ به نقل از احمدی ۱۲۸-۱۲۷: ۱۳۷۵). چنین مطلبی، اهمیت مکاشفه و درون‌بینی را روشن می‌دارد. در این رابطه پستالوزی، مربی را هنرمندی می‌داند که هنرش، هنر باغبانی است که باید تمام جنبه‌های مرتبی؛ قلب، فکر و حس وی را در نظر بگیرد. در این بین هنر تربیت، رساندن کودک به مکاشفه و روشن‌بینی است، مکاشفه‌ای که اساس هر معرفتی است. در چنین تربیتی است که پرورش اخلاقی نیز به عنوان محصول محبت و ایمان، که دو امر درونی است، می‌تواند در کودک عشق به نظامی را که خداوند ایجاد کرده است، بیدار کند (به نقل از شاتو ۲۲۲: ۱۳۷۶). در تربیت دینی نیز باید این درون‌بینی و مکاشفه و عشق مورد توجه قرارگیرد، چراکه آن به هیچ عنوان، تنها آموختن آداب و احکام دینی نیست. تربیت دینی بیدار کردن محبت و ستایش خداست در انسان، چنانچه روسو نیز اعتقاد داشت تمامی ادیان خوبند، به شرایط آنکه پیروان آن خدا را بشناسد و با عشق و محبت او را پرستش کنند (به نقل از نقیب‌زاده ۱۳۰: ۱۳۸۳). به همین دلیل، روسو، خود ضمن احترام به مسیح، رستگاری را تنها در کلیسا و اعتقاد به مسیح نمی‌دانست و بر دین طبیعی؛ یعنی دینی که ندای درونی هر انسانی، وی را به آن می‌خواند، تاکید داشت (پیشین، پاورقی). مولانا، این اسوه‌ی تربیت عرفانی-دینی در مورد این ندای درونی چنین می‌سراید:

ما زبان را ننگریم و قال را ما درون بنگریم و حال را  
(مولانا، ۲، ۱۷۵۹).

حال برای رسیدن به شهود درونی، روشنگری و شور عرفانی در تربیت دینی، در جهت شناخت باری‌تعالی چه روشی را باید در پیش گرفت؟ غزالی معتقد است که راه‌های مختلفی

وجود دارد که با آگاهی کامل، کمال الهی درک می‌شود (غزالی ۱۹۷۰ به نقل از نصر ۴۵۸: ۱۳۸۳). به اعتقاد نگارنده برای رسیدن به شهود درونی، روشنگری و شورعارفانه در جهت شناخت باری تعالی به عنوان هدف تربیت دینی، باید روشی را در پیش گرفت که هم‌ماهیت و هم‌سنخ با آنها باشد، روشی که با سرشت انسان آمیخته باشد. زیباشناسی یکی از آنهاست که چنین ویژگی‌هایی را داشته و با خداجویی هم‌سنخ بوده و ریشه در فطرت دارند (نصری ۴۸: ۱۳۸۱). اما در نگاهی سطحی، آنچه از روش‌های زیبایی‌شناسی جهت آموزش زیبایی‌شناسی مطرح می‌شود، روش‌های هنری است که در تربیت هنری مطرح می‌شوند. در عرفان اسلامی نیز این روش‌ها جایگاه به سزایی داشته‌اند. نمونه‌ای از آنها سماع، موسیقی و شعر هستند که در تربیت هنری از دیدگاه عرفان اسلامی عمده‌ترین و اصلی‌ترین هدفشان درک زیباشناختی می‌باشد؛ زیرا این درک ضمن هدف بودن، رسیدن به آگاهی و معرفت حقیقی است، معرفتی که شناخت صفات ذاتی هستی می‌باشد (شمشیری ۱۹۹-۱۸۸: ۱۳۸۵). اما آنچه مد نظر است، دین خود زیبایی‌هایی دارد که در نتیجه، اهداف و روش‌های زیبایی‌شناسانه‌ای را نیز داراست که «زیبایی‌شناسی و امر زیبایی» را مطرح می‌سازد که با هنرهای زیبایی‌شناسانه و روش‌های آن متفاوت است که نمونه‌ی برجسته‌ی آن «اخلاق» می‌باشد (رک. جعفری ۱۷۶-۱۷۱: ۱۳۶۹). البته درک زیبایی‌شناسانه‌ی ناشی از روش‌های هنری در تلطیف عشق، درون‌بینی و روشن‌بینی پر اهمیتی دارند که نمی‌بایست از آنها غفلت نمود (شمشیری ۱۹۹: ۱۳۸۵). چنانچه گفته شد، این درک نقش معرفتی دارد و می‌تواند زیبایی ظاهری را به زیبایی مطلق یا به مبدا حقیقی خود برساند. عین‌القضات در این رابطه و نقش زیبایی در خداشناسی، تعبیر عارفانه‌ای دارد که می‌فرماید:

ای عزیز، جمال لیلی، دانه‌ای دان بر دامی نهاده، چه دانی که دام چیست؟ صیاد ازل چون خداست که از نهاد مجنون، مرکبی سازد از آن عشق، خود که او را استعداد آن نبود که به جمال دام عشق ازل افتد، که آنگه به تابشی از آن هلاک شدی، بفرمودند تا عشق لیلی را یک چندی از نهاد مجنون مرکبی ساختند تا پخته‌ی عشق لیلی شود، آنگاه بار کشیدن عشق را قبول تواند کرد (همدانی ۱۰۵-۱۰۴: ۱۳۷۳).

این زیبایی و عشق ظاهری، مقدمه و وسیله‌ای برای رسیدن به زیبایی و عشق مطلق است، چراکه زیباشناسی خود دارای ماهیت معرفتی است. بنابراین اگر کسی ادعا کند که فقدان حس زیبایی و درک آن از نظر ذهنی و روانی کمتر از فقدان نیروی اندیشه‌ی منطقی نیست، چنین شخصی گزافه‌گویی نکرده‌است. درک زیباشناسی و حس آن، نوعی از اوصاف کمالی انسان است برای درک کمال، به همین دلیل انسان در جستجوی زیبایی‌ها بوده و از دریافت آنها لذت می‌برد (جعفری ۷۴: ۱۳۶۹). کروچه معتقد است، که دانش برای انسان به دو وسیله یکی شهودی یا مکاشفه، دیگری تعقلی یا استدلالی حاصل می‌شود. زیباشناسی از نوع اول است، حسی که به واسطه‌ی آن شناخت «فرد» نیز حاصل می‌آید (کروچه ۵: ۱۳۸۱).



حال با توجه به آنکه زیباشناسی ریشه در فطرت آدمی دارد، وسیله و مقدمه‌ی شناخت باری تعالی و زیبایی مطلق است، شهودی و درونی می‌باشد، از اوصاف کمالی انسان است و در نهایت ماهیت معرفتی دارد و همچنین با توجه به اهمیت درونی، خودجوشی متربی و فعال بودن وی، این سوال مطرح می‌گردد، که تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی چه ویژگی‌هایی دارد؟ البته تعیین این ویژگی‌ها، شامل اهداف و روش‌های آن است و از محتوا، روش‌های ارزشیابی و اصول تربیتی آن، بحثی به میان نمی‌آید.

### ۱-۳- اهداف تحقیق

به وسیله‌ی زیبایی است که انسان کشش پیدا می‌کند و شوق درونی‌اش شکفته می‌شود، به وجد می‌آید و لحظه‌ی جذبه فرا می‌رسد. این لحظه، بهترین فرصت برای تربیت دینی است، چراکه در زیبایی لذت است و در لذت معنوی، زیبایی است. این دو همان‌گونه که گذشت، ریشه در فطرت دارند و عشق، کشش و تمایل درونی را در خود نهفته‌اند و با ایجاد جذبه، می‌توان جوشش درونی متربی را تحریک کرد (کریمی ۱۰۳-۱۰۲: ۱۳۷۴). به عنوان نمونه، شعر یکی از نمودهای زیبایی است و سعدی شیرازی به وسیله‌ی آن کمتر به مخاطب امرونه‌ی می‌کرد و به آنها اجازه می‌داد تا خود راهشان را برگزینند، چراکه براین باور بود که کار هنر و ادب دستور دادن نیست، بلکه هنر با تصویر کشیدن زیبایی و نمودن آن به مخاطب، رسالتش را به انجام می‌رساند (صیادکوه ۱۶: ۱۳۸۴). به عنوان مثال، این استاد تربیت اخلاقی، با روشی زیباشناسانه (شعر)، به دور از موعظه‌ی بی‌روح و با کمال زیبایی، خودگردانی توسط متربی را چنین به وی هشدار می‌دهد که:

گر بشنوی نصیحت و گر نشنوی (سعدی ۷۹۷ ۱۳۷۶). گفتیم و بر رسول نباشد جز بلاغ

این نمود زیباشناسانه در تربیت اخلاقی بسیار کارساز و موفق بوده است و بسیاری همچون سعدی با این روش به تربیت اخلاقی پرداخته‌اند، تربیتی که به اعتقاد ابن‌سینا محصول و ثمره‌ی تربیت دینی است، چنانچه وی خود به تربیت اخلاقی اهمیت فراوانی می‌داد (شعاری‌نژاد ۳۹۵: ۱۳۴۶). زیباشناسی به عنوان عاملی که می‌تواند جوشش درونی، کشش، جذبه، تمایل درونی و عشق را در درون متربی ایجاد کند و از دستورده‌ی فاصله بگیرد، بسیار مهم جلوه می‌کند و در تربیت درونی نقش مهمی را برعهده می‌گیرد. با توجه به این مطلب، هدف کلی تحقیق حاضر، مشخص کردن ویژگی‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی است. با توجه به این

هدف کلی، اهداف جزئی این تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- تعیین نسبت زیبایی‌شناسی و دین بر مبنای عرفان اسلامی.
- ۲- تعیین اهداف تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی بر مبنای عرفان اسلامی.
- ۳- تعیین روش‌های تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی دینی بر مبنای عرفان اسلامی.

#### ۱-۴- ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به این که روح تعلیم و تربیت را استقلال فکری تشکیل می‌دهد، متأسفانه در شرایط کنونی هنوز گرایش اساسی تربیتی، چه در میان غرب و چه در میان شرق، به سوی عادت دادن سازگار است و این امر باعث می‌گردد که انسان یک بعدی تلقی گردد (شریعتمداری ۹۴: ۱۳۸۱). تلقین و عادت دادن ممکن است در دورانی از زندگی بشر، یعنی دوره کودکی ضروری باشد، چنانچه غزالی معتقد است که در تربیت دینی، در آغاز و نشو و نمای کودک باید عقاید به او تلقین شود تا عادت در او شکل گیرد، اما پس از آن نوبت به فهم می‌رسد تا یقین و تصدیق به صورت تدریجی پدیدار شود، چراکه تلقین و عادت دارای ضعف و آسیب‌پذیری است (غزالی بی تا به نقل از کاردان ۳۰۰: ۱۳۸۳).

تفکر و تعقل در نظام تربیتی اسلامی و در راستای آن تربیت دینی همواره یکی از بارزترین و موجه‌ترین مولفه‌ها بوده است، و در قرآن نیز بسیار بر این مولفه تأکید شده است. این تأکید ناشی از وجود آثار گرانقدری است که به این امر گران‌بها مترتب می‌باشد (طباطبایی: ۱۳۶۳). اما منظور از تفکر، تفکری کنجکاوانه و انتقادی است. این تفکر سبب می‌گردد تا متربی دید نقادانه نسبت به مسائل خود و پیرامونش داشته باشد و صرفاً مقلد و انبار اندوخته‌های دیگران نباشد، بلکه بیاندیشد و با این تفکر نظام‌های ارتجاعی فکری- سیاسی، اجتماعی را درهم بریزد و با این مهارت‌ها سبب تحولات عمیق در زندگی خود و جامعه باشد (هاشمی ۵: ۱۳۸۵). این تفکر سبب تفسیر و ارزیابی مشاهدات، ارتباطات و استدلال‌ها می‌گردد (اندرس ۳۵: ۱۹۹۷). در قرآن کریم، در خصوص این نوع تفکر، در سوره‌ی زمر آیه‌ی ۱۹، خداوند مژده می‌دهد به کسانی که سخنان گوناگون را می‌شنوند و از بهترین آنها با مدد از نیروی تفکر، پیروی می‌کنند. در مقابل سوره‌ی رعد آیه‌ی ۳۷ هشدار می‌دهد که بعد از آنکه علم و آگاهی برای انسان محرز شد نباید از هوای نفس خود و دیگران پیروی کند. این آیه یکی از آسیب‌های رویکرد عقلانی را بیان می‌کند، اینکه فرد با وجود آگاهی، عامل به علم نیست. سجادی، دیگر نارسایی‌های رویکرد عقلانی را چنین بیان می‌دارد:

- ۱- این رویکرد نمی‌تواند برانگیزنده‌ی واقعی عمل دینی باشد.
- ۲- این رویکرد نمی‌تواند نقطه‌ی شروع تربیت دینی باشد.

۳- ناسازواری میان غایت رویکرد عقلانی و غایت تربیت دینی (سجادی ۵۰-۴۸: ۱۳۸۴).

همان‌گونه که گذشت، فردآگاه باید عامل به علمش گردد و اگرچنین نکند، نمی‌تواند به فزونی و استكمال در ایمان، علم، حیات، اراده، اندیشه و خلاقیت، متخلق شدن به صفات و اخلاق الهی و نفی طاغوت‌ها، تقوی و در نهایت قرب الهی نایل آید (ساعی ۹۸-۹۷: ۱۳۸۰).

عمل کردن نیز براساس ملاک و معیاری مورد سنجش قرار می‌گیرد تا از ظاهرسازی و تکیه بر پوسته‌ی دین پاک باشد. با توجه به سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳، به نظر می‌رسد که بهترین مولفه‌ی تضمین‌کننده‌ی عمل و سنجش آن درحوزه‌ی تربیت دینی، تقوی الهی است و دلیل آن، این است که بهترین فرد نزد پروردگار و تعیین جایگاه وی همین تقوی و ملاک بودن آن است و بدون آن، معیار عمل و انگیزه‌ی عمل گم خواهد شد. اما چرا تقوی در چنین جایگاهی قرار گرفته است؟ تقوی به مفهوم حفظ خود، تسلط بر خود، اراده‌ی خود به وسیله‌ی خویشتن می‌باشد. چنین شخصی نه از ترس دیگران و نه از ترس قانون وارد این قلعه‌ی استوار می‌گردد، چراکه وی می‌داند تقوی الهی او را به روشن‌بینی می‌رساند (انفال-۲۹) و هم بهترین توشه (بقره-۱۹۷) و در نهایت، بهترین جایگاه، نصیب اهل تقواست (توبه-۱۰۹). با این وصف مکتبی نقش تربیتی دارد که این حقیقت را به رسمیت بشناسد و فرد را در این جهت هدایت کند (شریعتمداری ۱۴۰-۱۳۰: ۱۳۸۱). با توجه به جایگاه تقوی، به نظرنگارنده فرد متقی، همان است که در مکتب عرفانی، عاشق می‌نامند و تربیت درونی در او کارساز افتاده و خودجوش و خودعامل سیر کرده و فعال بوده است و این، ویژگی‌هایی است که در تربیت دینی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. اما متاسفانه روش‌هایی همچون القایی، دوری فرد از صحنه‌ی ناصواب، منع مطلق، اجباری و تحمیل، عادت دادن و قرنطینه‌سازی و... در تربیت دینی و غالب بودن آنها، مانع از توجه به تربیت درونی در جهت سیر به تقوی الهی گردیده است (قائمی ۱۷۹: ۱۳۸۷).

البته در جهت رفع نواقص چنین روش‌هایی، اقداماتی صورت گرفته است. به عنوان مثال: توجه به اصول جلب که در این مورد باید به سه مسئله توجه داشت، اول آنکه ظاهر دین به وسیله‌ی زرق و برق‌سازی برای مردم، جلب توجه کند، دوم، میل‌گرایی که باید بین دین و زندگی رابطه به وجود آورد، آنچنانکه خواست‌ها در سایه‌ی آن اقناع گردد و سوم، اختلاطی از هر دو مورد می‌باشد (پیشین). همان‌گونه که گفته شد، اخیراً رویکرد نمادین در تربیت دینی در جهت رفع نواقص رویکرد عادت و عقلانی مطرح گردیده است، رویکردی با درون مایه‌های کهن. این رویکرد در واقع پاسخی است به سوالات دل‌سوزان دینداری است که می‌خواهند حاکمیت قلبی، رسوخ درونی و نفوذ باطنی ارزش‌های دینی در عمق وجود کودکان و نوجوانان و افراد جامعه، مدنظر قرار گیرد. این رویکرد روشن‌کننده‌ی افق‌های نظام تربیتی اسلام جهت دستیابی به روش‌های کارآمد تربیت دینی است؛ روش‌هایی که مبتنی بر شهود و کشف، اشراق، فهم، عشق، وجد و زیبایی است، روش‌هایی که در پی محو کردن تربیت بیرونی، عاریه‌ای،

شعاری و... است، روشی که متضمن آثار درونی تعالیم دینی است (کریمی ۲۳: ۱۳۷۴). در ضمن بیان گردید که مهمترین عنصر در رویکرد نمادین، زیبایی و زیباشناسی، چراکه بدون آن، هیچ اثری ماندگار نخواهد ماند و هیچ پیامی جذاب نخواهد بود. در ضمن هدف کاربرد این عنصر در تربیت دینی، آن است که هرگونه اثر تربیت دینی به پرده‌ای زیبا با تصاویری دل‌نشین همراه با لحظات جذبه از درون متربی مبدل گردد تا وی واقعیت درون اثر را با نیروی جذبه و شوق درونی دریابد و ضمن آن یک تربیت فعال نیز شکل گیرد (پیشین صص ۹۷-۹۵). با توجه به اهمیت درونی و نقش موثر زیباشناسی در ایجاد آن در جهت تربیت درونی، متاسفانه این دو مهم، به خصوص زیباشناسی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. اگرچه گروهی از متخصصان تعلیم و تربیت به اهمیت زیباشناسی در تربیت دینی اشاره‌ای داشته‌اند، اما بطور عمیق و اساسی به آن نپرداخته‌اند، به عنوان نمونه، شمشیری در کتاب خود، «تعلیم و تربیت از منظر و عشق عرفان»، در بحث از تربیت دینی، یکی از ویژگی‌های این نوع تربیت را تکیه بر ابعاد زیباشناسی معرفی می‌نماید و دو جنبه‌ی آن را بیان می‌دارد. نخست رابطه‌ی انسان با زیبایی خلق شده توسط خود وی، در جهت شناخت باری تعالی و دومین جنبه ارتباط انسان با زیبایی‌های دین و آموزه‌های آن، که این جنبه نیز در جهت شناخت زیبایی مطلق می‌باشد (شمشیری ۲۲۹-۲۲۸: ۱۳۸۵).

در کتاب مجموعه مقالات تربیت دینی آمده است که، تربیت دینی موظف است به سلامت جسمانی، ایجاد نگرش و جهان‌بینی همه جانبه از زندگی، پرورش فضیلت‌های عقلانی توجه داشته باشد. در ادامه بحث، به اهمیت زیباشناسی در زندگی و معنویت پرداخته شده است و گواه آن مجسمه‌ها و تصاویر زیبایی است که در کلیساها و کنیسه‌ها آمده است. در این راستا، یکی از وظایف تربیت دینی ترویج احساس زیباشناسی است، تا متربی همواره درباره‌ی آنچه که زیباست، بیاندیشد (مشایخی‌راد ۳۹: ۱۳۸۰).

به نظر می‌رسد که بحث از زیباشناسی در تربیت دینی، در این کتاب نیز، همان دو جنبه‌ی بیان گردیده را شامل می‌شود. استاد مطهری نیز معتقد است که، زیباشناسی در دو بعد حسی و معنوی مطرح می‌باشد و آن، دارای قدرت بیان است. ایشان به عنوان نمونه، از راستی به عنوان مقوله‌ی زیبایی یاد می‌کند که هر کسی را به سوی خود می‌کشد و دارنده‌ی آن، فردی زیباست و اینجاست که ریشه‌ی اخلاق در زیبایی دانسته می‌شود، فعل اخلاقی یعنی فعل زیبا (مطهری ۸۶-۵۴: ۱۳۸۶).

ایشان به بحث از اخلاق به عنوانی موضوعی زیباشناسانه پرداخته‌اند، موضوعی که از دین اسلام و تربیت دینی جدا نمی‌باشد و می‌بایست مورد توجه قرارگیرد. یکی دیگر از متخصصانی که به زیباشناسی در تربیت دینی پرداخته، کریمی می‌باشد، که به صورت مفصل‌تری به آن پرداخته است. وی در کتاب خود، رویکرد نمادین به تربیت دینی، به نقش و جایگاه زیباشناسی در تبلیغ و آیات قرآنی و روایات پرداخته و عشق را به عنوان سرچشمه‌ی زیبایی معرفی